

## فارسی را با زبان و ادبیات کارگر حرف بزیم

سرمایه بگذرد؟ کی گفته که امکانات جامعه، راه ها و تاسیسات، معادن، هوا، آب و جنگل ها باید بر اساس سود شخصی یک اقلیت بکار گرفته شود؟ چرا باید ثروت و سازندگی و شیره جان اکثریت کار کن جامعه بصورت پول به جیب سرمایه دار برود که یکبار دیگر با تکیه به پول کارگر را از ماحصل تولید محروم کند و خود در تصاحب بهترین های امکانات جامعه دست بالا داشته باشد؟

زبان فارسی را باید از ادبیات یتیم نوازانه، جین و دربوزگی و قازورات ضد کارگری نجات داد.

وقت آن است که مفاهیم زبان فارسی را از زاویه کارگر معنا کنیم و کلا فارسی را با ادبیات کارگری حرف بزیم. برای مثال کلمه "سرمایه" را در نظر بگیرید. رایج ترین اشتباه و مهلک ترین سوء تفاهم در پشت یک کلمه در زندگی عادی و در مراودات اجتماعی ما در جریان است. هیچ دقت کرده اید که "سرمایه" از چه ارج و قربی در ادبیات سیاسی متعارف ایرانی برخوردار است؟ معلوم هست چرا، از کجا، این چه ادبیاتی است که سمیل پدیده بردگی مزدی، "سرمایه" بلافاصله با یک طنین مثبت وارد تالارها و اجتماعات میشود؟

"سرمایه" خود، یک پدیده آشنا، و بدون رمز و راز به معنای ثروت، در قالب پول و یا ماتریال قیمتی دیگر است که بنوبه خود برای کسب ثروت بیشتر بکار افتاده است. بسیار خوب، اما اشکال قضیه آنجاست که در بیان ژورنالیستی، سرمایه یک فاکتور تعیین کننده برای تولید و سازندگی در کنار کارگر قرار میگیرد است. زمین، مواد خام، نیروی کار، ماشین ها و غیره بدون فاکتور سرمایه ول معطلند. گفته میشود بدون سرمایه ما قادر به تولید نخواهیم بود. "سرمایه" در زبان جاری اقتصاد و سیاست مترادف اشتغال و آبادانی است، از آن فراتر رفته و بعنوان "نان آور" سفره خالی کارگران جای خود را باز کرده است. آنوقت از خنده روده بر میشوید وقتی که سر و کله "سرمایه ملی" و شخصیت هایشان با عناوین پر طمطراق "پدر آهن ایران"، "پدر فولاد ایران" و امثال آن پیدا میشود.

اما در دنیای واقعی، "سرمایه" فقط یک عبارت نیست. فقط پول و اسکناس، بیل و کلنگ و دستگاه ها نیست. "سرمایه" یک روح است، یک قدرت شیطانی است که عوامل تولید را به هم میدوزد، تحرک است. سیاست است. فلسفه و جهان بینی است. موتور محرکه این نظام نه خود سرمایه بلکه در سود آوری دائمی آن است که در پروسه تولید، فقط و فقط در استثمار و ارزش افزوده ناشی از کار کارگر به ثمر مینشیند. سرمایه معادل بکارگیری نیروی کار در چهارچوب سود و در رقابت با بنگاه های دیگر است. سرمایه جز با مکانیسم دائمی راندن دستمزد و سطح زندگی و معیشت کارگر به پایین ترین سطح ممکن و جز با پشتوانه قانونی برای حفاظت از سود خود بکار نمی افتد.

سرمایه و مکانیسم های آن در بحران ها و بیکاری، در فقر و درماندگی، در زندانها و بی حقوقی معنای خود را پیدا میکنند. "نان آوران" برای طبقه کارگر لقب شایسته اعتصابات و اعتصابیونی است که حق طلبی متحدانه را در کار و زندگی نسل پس از نسل تولید کنندگان واقعی جامعه جان بخشیده اند. نان، حرمت، آسایش و آبادانی بدون قید و شرط شایسته همگانی آنجایی آغاز میشود که جایی برای "سرمایه" و منطق سودآوری آن وجود نداشته باشد. این واقعیت باید در خودآگاهی و در ارزش ها، در مراودات عمومی جامعه، در زبان و مفاهیم متبلور شود.

به استقبال اضمحلال دک و پز کاذب "سرمایه" در تاریخچه ادبیات شاهنامه و اسلامی آن برویم. فارسی را "کارگری" و با مفاهیم سوسیالیستی حرف بزیم. بگذارید هر جا که بحث سازندگی و تولید به میان میاد، سودا و زبان اعتصاب و اعتصابیون ما کوچه و بازار را فرا بگیرد: کی گفته که کارگر برای تولید و سازندگی باید نیروی کار و خلاقیت خود را در خدمت سود و بهره جویی سرمایه و سرمایه دار بکار اندازد؟ کی گفته که نیازهای جامعه باید از کانال سود دلخواه

## زنگها برای چه کسانی به صدا در می آیند؟



سه شنبه هفتم بهمن ماه یک روز به یاد ماندنی در سابقه کشمکش و اعتراض و حق طلبی طبقاتی کارگری در ایران است. اعتراض سراسری بازنشستگان لولای اتصال یک گذشته و یک آینده در روند

ستیزه جویی مردم زحمتکش بود؛ یک گذشته مملو از اعتراض و نارضایتی علیه محرومیت و تبعیض و جستجوی پا گذاشتن به فردای اعتراض قدرتمند و متحد و سراسری. در دل تنش ها و تهدیدها، در دل توطئه ها در زمانیکه زندانها و بازداشتگاهها از فعالین و منتقدین جای سوزن انداختن ندارد، اعتراض سراسری بازنشستگان طرح شد، مورد بررسی قرار گرفت، نیرو جمع کرد، و نقشه خود را عملی کرد. عصر روز سه شنبه صحنه سیاسی ایران مهر پلانتفرم تجمع اعتراضی بازنشستگان از شهر به شهر را بر خود داشت: تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم!

زن و مرد، معلم و کارگر و پرستار، مطابق برنامه قبلی، پای باندرولها و برای تحقق پلانتفرم مشترک: وسط های خیابون، بدست میاد حقمون!

مستقل از تصورات، مستقل از تنوع و چگونگی نقشه های تاکتونی، از طرف صف بازنشستگان، یک نقشه عمل و یک الگو روی میز فعالین کارگری قرار دارد.

همه جذابیت سه شنبه در این است که نیازی به بزرگنمایی و اغراق ندارد. به گذشته پر عزت از اعتراض و پراتیک حق طلبانه دارد، و در آینده پر از درد و زخم صفوف خود جایی برای منافع خرد فرقه ای وجود ندارد. این صف برای نان و برای کرامت انسانی میجنگد. مجبور است بجنگد. میخواهد بجنگد و به بیشترین اتحاد نیاز دارد تا به پیروزی که شایسته آن است دست یابد.

سه شنبه ای اعتراض بازنشستگان، زنگها برای آینده تار و پود انسجام سراسری طبقه کارگر در ایران به صدا در آمد.

## کرونا و مبارزه جویی کارگری

که چرا بیکاری؟ آیا به اندازه کافی محصولات مورد نیاز جامعه فراهم شده است؟ آیا نان و لباس، آیا دارو و بیمارستان، آیا مسکن و سرپناه، آیا ملزومات نیازهای فکری و روحی و هنری ... در دسترس هست؟

تا همین جا جمهوری اسلامی کارگر و زحمتکش را از محصول کار خود محروم ساخته است، انبارها و فروشگاه های مملو از مواد غذایی، خانه ها و عمارات و هتل های لوکس، بیمارستانها و انبار دارویی را در یک قدمی سفره های خالی، بدن های سرما زده و پیکر بیمار و در حال مرگ از گزند خشم و عصیان بر حق صاحبان واقعی این نعمات محفوظ نگه داشته است. این حکومت اگر دستمزد ندارد، اگر مسکن ندارد و بیمه و بیمارستانهای آن برای کارگران وجود خارجی ندارد، در عوض تا دلتان بخواهد از زندان و بازداشتگاه، مزدور و بازجو کم نیاورده است.

دوران پس از کرونا بیش از آنچه یک واقعیت اقتصادی با چاشنی تولید تا چه برسد رونق باشد، برای بورژوازی ایران یک دوره تلاش برای تثبیت "دستورد" -های تنگین آنها در سایه کرونا است. جواب طبقه کارگر نمیتواند جز به سوی اتحاد و عزم به زیر کشیدن این نظام خیز بر دارد. کرونا و پرونده سنگین جنایی علیه کارگران یک بستر مشترک برای عزم و اتحاد و مطالبات مشترک را بدست داده است. مبارزه علیه بیکاری و برای دستمزدها جای خود را باز میکند.



آنها را ممنوع اعلام کرد. مصوبه دولت غارت کور و دست جمعی دسترنج میلیونها نفر است. مسخره تر از هر چیز بهانه "اثبات هویت" متهمین است. بنا به این بهانه صرف انتساب فرد مزبور یا والدین او به افغانستان برای اجرای حمله شبانه و قساوت بانکی علیه کل خانواده کافی تشخیص داده شده است.

آیا کارگر ایرانی جزئیات این حمله و درد این کارد را در کمر خود احساس نمیکند؟ آیا این مصوبه یادآور مصوبات ضد کارگری مجلس در حمله به معیشت کارگران نیست؟ آیا دستمزدهایی که به عشق و سودجویی کارفرما از حساب بانکی ناپدید میشود، آیا نانی که با گرانی از دسترس خارج میشود یادآور این صحنه نیست؟ آیا طبقه کارگر به اعتبار کارگر بودن خود، "افغانستانی"، و تا ابد "افغانستانی" و در معرض مصوبات کثیف ترین دشمنان انسانیت و حرمت انسانی در جغرافیای ایران نیست؟

هنوز واکسن کرونا در دسترس نیست، هنوز واکسیناسیون آغاز نشده و هنوز در هنگامه "پیک" های پایان ناپذیر لعنتی، با اینحال جمهوری اسلامی با دست پاچگی در حال اختتام پرونده کرونا است. دولت با زبان جمعبندی و با صرف افعال ماضی بعید، با شرح نوستالژیک شب خوابی های کذایی، منت میگذارد. اشاعه کرونا موج بزرگی از بیکاری را به همراه داشت. معرکه گیری رئیس جمهور تماشایی است که چگونه دولت را قربانی اپیدمی و قربانی بیکاری قلمداد میکند، و دو قورت و نیمش هم باقی است. ایشان بیش از گذشته، رو به آینده دارد. شواهد و روندهای اقتصادی بر یک موج جدید بحران و بیکاری دلالت دارد. بورژوازی ایران کمربندها را برای حمله بیشتر به معیشت طبقه کارگر سفت میکند، جلوی انتظارات را سد میکنند.

برای طبقه کارگر حیاتی است که کیفی خواست دوره کرونا را دو دستی بچسبد و تعرض و حق طلبی کارگری را به خمیره اعتراض مردم زحمتکش در کل جامعه قرار دهد.

چرا بیکاری، چرا بیکار سازی؟

کرونا بنیادهای تئوریک و بظاهر پیچیده اقتصادی، منطق های مجرد علمی را از آسمان کتابها و مشغله های آکادمیک به خیابانها کشاند. کرونا در زمینه بیولوژیک یک ویروس سرسخت و در زمینه اجتماعی یک سوال سمج و غیر قابل مهار را به جان جامعه انسانی انداخت. تولید چگونه، برای چه، برای چه کسی؟

جواب این سوالات در بحبوحه کرونا و هنوز هم تا مغز استخوان آغشته به خون، جنون سودپرستی و جرم و جنایت نظام حاکم است. این سوالات، با اعتبار بمراتب بیشتر خود را به در و دیوار میزند

## قساوت بانکی علیه زحمتکشان افغانی در ایران

ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی از درد بیدرمان و زخمهای کهنه کم نمیآورد. با باز کردن اولین صفحه روزنامه، با چرخاندن پیچ برنامه رادیویی سیلاب عبارات بیکاری، نرخ تورم، بحران مسکن، بودجه و انواع آمار و ارقام در داستان واقعی میلیونها بیکار، کارخانه های ورشکسته، دستمزدهای پرداخت نشده، فساد، دزدی و مصائب دیگر مخاطب را در خود غرق میکند. همزمان این سرزمین ناکجا آباد سکنه ها و عفونت ها، بستر فقر و فقدان بهداشت و درمان، بر بستر یک جامعه طبقاتی هار، خود سرزمین کنعان کرونا است.

در بحبوحه همههمه اعتراض، اعتصاب، نفرت و عصیان و حق طلبی علیه حکومت؛ جمهوری اسلامی از کیسه سرکوب و سردواندن خود بار دیگر به جان زحمتکشان افغانستانی ساکن ایران افتاد. یکسره شماره کارت بانکی آنها را مسدود ساخت و با یک تصمیم راه چند میلیون مردم زحمتکش را به نانوائی ها بست، فروش مواد غذایی به

## کرونا، بیمه بیکاری و ژيگوله های شارلاتان شهری!

تعداد کل دریافت کنندگان هر ماه، و سر هم کردن رقم یک میلیون دریافت کننده، بیشتر از دانش ریاضی توجه را به چشم اسفندیار این حقه بازی جلب میکند.

اعداد و هنوز رسوایی بیشتر در ارجاع به طرح بیمه بیکاری کرونا ضروری است که به میزان پرداختی بیمه مربوطه نیز توجه کرد: "بیمه بیکاری پرداخت شده به این افراد برابر ۵۵ درصد حقوقشان است که علاوه بر آن، به ازای هر فرزند ۱۰ درصد حداقل دستمزدشان نیز به آنها پرداخت می‌شود" ("نحوه محاسبه بیمه بیکاری کرونا"، سایت ایلنا، 31 شهریور 1399)

بدین ترتیب فیل طرح بیمه بیکاری کرونا با پرداخت 55 درصد دستمزد حداقل (که به نوبه خود پنج برابر زیر خط فقر است) برای سه ماه و حداکثر شامل 336 هزار کارگر بیکار، بدون خوشحالی و بزرگ و هیاهو مقامات و رسانه ها جز نفرت چه چیزی را میتوانست و میتواند به همراه داشته باشد؟

و بلاخره برای کمک به افسون میلیونی ارقام در حافظه رسانه ای در ایران، بخصوص هنگام درج اخبار "مقرری" به کارگران باید یک رقم دیگر را از قلم نیانداخت: به منظور حمایت از صنوف و کارگران آسیب دیده از کرونا، دولت مبلغ ۵۰۰۰ میلیارد تومان اعتبار به صندوق بیمه بیکاری اختصاص داد. ("تازه ترین آمار پرداخت بیمه بیکاری کرونا"، سایت ایسنا، 8 بهمن 1399)

به این ترتیب با فرض یک میلیون تومان برای هر مورد بیمه پرداختی، میبایست بودجه مربوطه برای پنج میلیون مورد کفایت کند. معلوم هست پول کذایی صرف کدام جهنم دره شده و چرا منت آنرا سر کارگر میگذارند؟

هنوز پایانی بر پایان سیطره کابوس کرونا بر ایران به چشم نمیخورد. کرونا بسیار فراتر از یک ویروس کشنده، در ابعاد سیاسی و اقتصادی و فلسفی در اعماق خودآگاهی عمومی جامعه نفوذ کرد. تلقیات انسانها و طبقات از خود و از یکدیگر را دگرگون کرد و تعاریف و مرزهای جدیدی را جایگزین ساخت. تا همین جا بسختی میتوان تصور کرد که جامعه کارگری و توده زحمتکش ایران بتواند بدون تصفیه حساب با زخم های عمیق کرونا بر پیکر خود در مقابل این کابوس کمر راست کند.

طرح بیمه بیکاری کرونا به عمیق ترین لایه های زخم و به این تصفیه حساب تعلق دارد.

ژيگوله دنیای رسانه ای ایران قلم زبانی هستند که برای مهملات "بیمه بیکاری کرونا" بازار گرمی میکنند، در مقابل شارلاتانیسم آشکار دولت و وزارت کارش خود را به نفهمی میزنند، و در عوض در مقابل کارگر تر دستی با اعداد را بر خ میکشند. ژيگوله های دنیای رسانه ای نسل تازه ای از "بچه های" خانه کارگر هستند که درد و رنج مرگبار میلیونها کارگر را در قاموس طرح "بیمه بیکاری کرونا" را نخواستند ببینند، در عوض ارقام کذایی و خرده فرمایشات دولت متبوع را به رخ مردم زحمتکش میکشند.

بهمن ماه و در سالگرد شروع طرح "بیمه بیکاری کرونا"، به نقل از ادارات و مقامات حکومتی دور جدیدی از تبلیغات در حاشیه این طرح در دستور گذاشته شده است، نه برای اینکه این طرح آش دهن سوزی بود، نه برای اینکه اقدام تازه تری در دستور خواهد بود. طرح "بیمه بیکاری کرونا" با هیاهوی پوشش یک میلیون کارگر، پرچم چندش آور حکومتی بود که نخواست در دفاع از مردم در مقابل کرونا کاری کند. کاری نکرد. از آن مهمتر پرچم یک رسوایی سیاسی و اخلاقی بر پیکر الیت فکری و رسانه ای ایران را تشکیل داد که خانه کارگر و شرکا را گرد هم آورد. این بساط کرایه ای خود را ارزان فروخت. یک سال بعدتر رسواتر از قبل برای معاونین دست چندم وزارت کار بازار گرمی میکنند.

### شعبده بازی ژيگوله شارلاتان شهری!

آخرین آمار و ارقام از جزئیات اجرای طرح از طرف وزارت کار اعلام گردید:

" آخرین آمارها حاکی از آن است که مقرری ایام بیکاری کرونا در ماههای اسفند ۱۳۹۸ و فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹ برای یک میلیون و ۸۲ هزار نفر با مساعدت دولت پرداخت شده است. ("تازه ترین آمار پرداخت بیمه بیکاری کرونا"، سایت ایسنا، 8 بهمن 1399)

برای جامعه 45 میلیونی طبقه کارگر و با دست کم پنج میلیون بیکار رسمی، به اضافه دو میلیون بیکار ناشی از کرونا (بنا به محاسبه مرکز پژوهش مجلس) قاعدتا پوشش "یک میلیون و 82 هزار" نفر جای فخر باقی نمیگذارد. اما هنوز جزئیات را از زبان مهدی شکوری، معاون روابط کار وزارت کار نباید از قلم انداخت: برای اسفند ۲۴۱ هزار نفر مشمول دریافت مقرری بیمه بیکاری بودند که ۲۱۳ هزار نفر این مقرری را دریافت کردند. مقرری بیمه بیکاری در فروردین و اردیبهشت به ترتیب برای ۴۴۶ و ۳۳۱ هزار نفر پرداخت شده است. سر جمع برای بیش از ۹۹۰ هزار نفر ماه طی این سه ماهه توانسته ایم مقرری بیمه بیکاری پرداخت کنیم. ("بیشترین بیمه بیکاری برای کدام استان ..."، سایت مشرق نیوز، 28 دیماه 1399)

هر چقدر هم که در مقابل بازی با اعداد حکومت اسلامی سرمایه و درندشت ریاکاری آن شانه بالا بیاندازید، هر چقدر هم که این بلوف شارلاتان شهری مآب را ندیده بگیرید، هر چقدر هم بر شرط شرف چشم ببوشید و هر چقدر از انتظار یابندی ساده خبرنگاری به حقیقت کوتاه بیایید؛ هنوز هم از عشق کور ملکوتی دنیای رسانه ای ایران به رقم یک میلیون هاج و واج میمانید. اینهمه نبوغ در جمع زدن

### نشریه علیه بیکاری

مدیر مسئول: سیوان رضایی

سرمدبیر: مصطفی اسدپور

تماس: آدرس ایمیل [info@a-bikari.com](mailto:info@a-bikari.com)

مقالات این شماره توسط مصطفی اسدپور نوشته شده است.

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.